

معرفی برخی از کتابخانه‌های مهم نسخ خطی لکهنو - هند

مهدی خواجه‌پیری*

با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و گسترش سریع آن تحوّل جاودانه در تاریخ بشریت به وجود آمد. پیشرفت سریع اسلام در نقاط مختلف جهان بیشتر مرهون معنویت‌هایی بود که اسلام در فرد فرد پیروانش پدید آورد. اسلام به هر کجا راه یافت نشانه‌های فراموش نشدنی از خود به جای گذاشت و پدیده‌های معنوی و ارزش‌های والای انسانی را عینیت بخشید. از جمله مناطقی که اسلام به آسانی در آن راه یافت و در فرهنگ و تمدن آن تأثیری عمیق گذاشت شبه قاره هند بود. هر چند امیران و فرمانروایان مسلمان به صورت فاتحان به سرزمین هند وارد شدند، لیکن جامعیت اسلام موجب پذیرش و استقبال هندی‌ها از اسلام و مسلمین گردید و زمینه‌ای به وجود آمد که اسلام نه تنها در سرزمین هند پیشرفت سریعی پیدا کرد، بلکه مسلمانان حدود هشتصد سال بر شبه قاره هند فرمانروایی کردند و هند به صورت یکی از پایگاه‌های اسلام و علوم و فنون اسلامی درآمد.

عشق و علاقه بعضی از سلاطین مسلمان به فرهنگ و ادب اسلامی و احترام ایشان به علماء و دانشمندان نشانگر این واقعیت در طول تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی در هند است. فرمانروایان مسلمان با ساختن بناهای عظیم و تأسیس مدارس و تقدیر از علماء و تشویق طلبان، فرهنگ و تمدن اسلامی را در سراسر هند بسط دادند. چنان‌که در زمان سلطنت محمد شاه تغلق (۷۵۲-۷۲۵ هـ/ ۱۳۵۱-۱۳۲۵ م) تنها در دهلی هزار مدرسه کوچک و بزرگ برای طالبان علم وجود داشت و در هر مدرسه ده‌ها طالب علم

* مدیر مرکز میکروفیلم نور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.

به فراگیری علوم اسلامی مشغول بودند و در کنار اکثر مدارس، کتابخانه‌هایی برای استفاده مدرسین و طلبان بنا گردیده بود. آثار فیروزشاه تعلق در محله حوض خاص در دهلی تاکنون وجود دارد.

در این ایام فراگیری علوم و فنون اسلامی تنها منحصر به مدارس نبود، بلکه مساجد و خانقاه‌ها نیز آموزشگاه‌های علوم اسلامی بودند و در کنار بیشتر مساجد و خانقاه‌ها کتابخانه‌های عمومی وجود داشت. شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م: ۱۰۵۲/هـ ۱۶۴۲ م) در اخبارالانحیاری در شرح حال سراج‌الدین می‌نویسد که وی از شاگردان مولانا رکن‌الدین و عارف بزرگ خواجه نظام‌الدین اولیاء (م: ۷۲۵/هـ ۱۳۲۵ م) بود و از کتابخانه خواجه که در جنب خانقاه وی بود استفاده می‌نمود.

مورخین شمار کتب
کتابخانه بابر را ۴۰۰۵۲
نسخه ثبت کرده‌اند.

در میان حکومت‌های اسلامی هند، سلاطین مغول بیشتر به فنون و علوم اسلامی علاقه نشان می‌دادند. ظهیرالدین محمد بابر (م: ۹۳۷/هـ ۱۵۳۰ م) سرسلسله شاهان مغول در هند، خود مردی صاحب فضل بود و شعر می‌سرود. وی کتابخانه‌ای عظیم در قصر خود برپا کرد و علماء و هنرمندان را از گوشه و کنار برای رونق کتابخانه دعوت نمود. شدت ذوق و علاقه بابر به مطالعه آنقدر بود که شب‌ها پس از فراغت از امور سلطنتی برای مطالعه به کتابخانه می‌رفت و تا پاسی از شب به مطالعه مشغول بود و گاه در همان جا استراحت می‌نمود. وی دارای خطی خوش بود و ابتکاری در خط به وجود آورد که به نام خط بابر شهرت یافت. مورخین شمار کتب کتابخانه بابر را ۴۰،۰۵۲ نسخه ثبت کرده‌اند.

در زمان سلطنت همایون (۹۶۳-۹۳۷/هـ ۱۵۵۶-۱۵۳۰ م) فرزند بابر به علت شوق شاه به علوم ادبی مجالس بزرگ علمی و ادبی در گوشه و کنار و در حضور همایون برپا می‌گردید. وی از هفت تالاری که به نام هفت ستاره بزرگ برای پذیرایی مهمانانش بنا کرده بود، دو هال (سالن) به نام‌های زهره و مشتری را برای ملاقات با علماء، دانشمندان و هنرمندان اختصاص داده بود. سید علی ترک ملقب به امیرالبحر در سفرنامه خود یاد و خاطره آن مجالس را گرامی داشته است. همایون اکثر اوقات فراغت را در

کتابخانه شخصی خود در پُرانا قلعه (قلعه کهنه) به مطالعه می‌گذراند. در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۹۶۳ هجری هنگامی که همایون برای ادای فریضه مغرب از کتابخانه خارج می‌شد از پله‌ها به‌زیر افتاد. همان باعث مرگ وی شد. عمارت کتابخانه وی تاکنون در قلعه کهنه موجود است.

نمایان‌ترین دوره رشد فرهنگ و تمدن اسلامی در هند در زمان جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ه/ ۱۶۰۵-۱۵۶۶ م) پسر و جانشین همایون بود. وی هرچند خود در زمینه معارف و فنون اسلامی در مرتبه پدراش نبود، لیکن عشق و علاقه‌ای وافر به علوم و فنون مختلف داشت. همچنین وجود بزرگانی چون ابوالفضل بن مبارک (م: ۱۰۱۱ ه/ ۱۶۰۲ م) و برادرش فیضی (م: ۱۰۰۴ ه/ ۱۵۹۵ م) و ملّا فتح‌الله شیرازی (م: چهارشنبه سوّم شوال ۹۹۷ ه/ ششم آگوست ۱۵۸۹ م)، قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹-۹۵۶ ه)، ابوالفتح گیلانی (م: ۹۹۷ ه/ ۱۵۸۹ م)، حکیم همام (م: ۱۰۰۴ ه/ ۱۵۹۵ م) و عبدالرحیم خان خان‌خانان (م: ۱۰۳۶ ه/ ۱۶۲۷ م) در دربار وی زمینه را برای توسعه فرهنگ و هنر اسلامی بیش از هر زمان به‌وجود آورد. اکبر نه تنها کتابخانه اسلافش را وسعت داد، بلکه با کاردانی و تشویق وی کتابخانه‌های زیادی توسط وزیران و درباریان تأسیس گردید. عبدالرحیم خان‌خانان کتابخانه بزرگی تأسیس کرد و از سراسر جهان اسلام علما، هنرمندان، خطاطان و نقاشان را برای همکاری و رونق کتابخانه دعوت نمود، بهبود میرزا خطاط و برادرش میر علی خوشنویس و شجاع شیرازی استاد خط ثلث و نسخ، ملّا عبدالرحیم هروی ملقب به عنبرین قلم و محمد حسین خطاط هرکدام مدتی در کتابخانه خان‌خانان خدمت کردند. از میان استادان مصوّر و شبیه‌ساز دو برادر به‌نام‌های میان ندیم و میان فهیم بودند، که بیشتر کتاب‌ها به‌وسیله این دو تن تزئین می‌گردید. در جلدسازی محمد امین خراسانی عنوان سرپرست را داشت و گروهی با وی همکاری می‌کردند. محمد امین از مشهد به‌هند مهاجرت کرده و مدت‌ها در خدمت کتابخانه بود و ماهانه برای وی ۴۰۰ روپیه وظیفه مقرر گردیده بود.

سلیمه سلطانه خواهرزاده همایون از بطن گلرخ بیگم شاعره مشهور کتابخانه‌ای داشت که اکثر نسخ آن از نوادر بود. همچنین از کتابخانه‌های مهم دیگر این دوره کتابخانه منعم خان سپهسالار در جونپور، نورجهان بیگم در دهلی و کتابخانه فیضی در

فتح‌پور سیکری (اکبرآباد) را می‌توان نام‌برد. در کتابخانه فیضی علاوه بر تألیفاتش که حدود صد و ده جلد بود ۴،۶۰۰ نسخه نادر نگهداری می‌شد. نواب نورالنساء بیگم آن‌قدر شیفته کتاب بود که دیوان کامران را به‌قیمت سه مَهر طلا خریداری کرد. این نسخه تاکنون در کتابخانه خدابخش پتنا موجود است و بر صفحه اول آن این عبارت درج گردیده: «سه مَهر طلا قیمت این خزانه است» نواب نورالنساء بیگم.

در زمان حکومت پادشاهان پس از اکبر شاه چون جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴ هـ/ ۱۶۲۷-۱۶۰۵ م)، شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ هـ/ ۱۶۵۸-۱۶۲۷ م) و اورنگ‌زیب (۱۱۱۸-۱۰۶۸ هـ/

۱۷۰۸-۱۶۵۸ م) نیز کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تأسیس گردید. جهانگیر در سفرها کتابخانه شخصی‌اش را با خود حمل می‌کرد. وی در سفرش به‌گجرات هنگام ملاقات با علما و دانشمندان به‌آنان کتاب هدیه کرد. در زمان حکومت شاهجهان یک سیاح آلمانی به‌نام جان البرت که در سال ۱۶۳۸ میلادی به‌هند سفر کرده در سفرنامه خود می‌نویسد که از کتابخانه جهانگیر دیدن کرده و در آن زمان ۲۴،۰۰۰ نسخه از بهترین نسخ با زیباترین جلد در آن کتابخانه را دیده است. شاهزاده داراشکوه

یعقوب کندی حکیم مشهور
مأمون‌الرشید بود وی اولین
کسی است که در اسلام
به‌فیلسوف بزرگ لقب یافت،
مجموعه رسائل این حکیم
بزرگ در کتابخانه ندوة العلماء
موجود است.

(کشته به‌سال ۱۰۶۹ هـ/ ۱۶۵۹ م) فرزند عالم و عارف شاهجهان که دارای تألیفات ارزنده در عرفان اسلامی است، کتابخانه‌ای بزرگ در دهلی تأسیس نمود که بنای آن تاکنون در ناحیه کشمیری گیت (دروازه کشمیر) در دهلی دیدنی است.

در زمان سلطنت اورنگ‌زیب به‌علت تعصب شاه به‌مسائل مذهبی زمینه‌های فقه و تفسیر و حدیث رشد بیشتری داشت. اورنگ‌زیب شب‌ها پس از نافله شب، یا قرآن قرائت می‌کرد و یا به‌خط خود قرآن کتابت می‌نمود و هنگام مرگش وصیت نمود که از مبلغ چهارصد و پنج روپیه‌ای که از فروش نسخ قرآنی که به‌خط وی بوده برایش کفن تهیه نمایند. اورنگ‌زیب مدتی نزد سید علی تبریزی کتابدار کتابخانه سلطنتی فن کتابداری را آموخت.

دختر اورنگ‌زیب زیب‌النساء (م: ۱۱۱۴ هـ/ ۱۷۰۲ م) گویا شاعره‌ای خوش ذوق بوده و شعر می‌سروده است و کتابخانه شخصی وی دارای کتب متعدّد در زمینه‌های ادبی و اخلاقی بود و به‌امر وی کتاب‌های زیادی در زمینه معارف اسلامی تألیف و ترجمه گردید. از جمله این کتاب‌ها، تفسیر کبیر ابوالفتح است که ملّا صفی‌الدین آن را به‌فارسی ترجمه کرد و زیب‌التفاسیر نام نهاد. همچنین کتاب انیس‌الحجاج به‌امر وی تألیف گردید. پس از وفات اورنگ‌زیب دستگاه حکومت مغول به‌علت اختلاف بین فرزندان او روبه‌ضعف نهاد. از میان پادشاهان این سلسله پس از مرگ اورنگ‌زیب، بهادر شاه، محمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۳۱ هـ/ ۱۷۴۸-۱۷۱۹ م) و شاه عالم ثانی ذوق و شوق علمی و ادبی داشتند.

همزمان با ضعف حکومت مغول‌ها در دهلی به‌سال ۱۲۳۴ هجری سعادت خان برهان‌الملک پس از رفع غائله ایالت آوّه به‌فرمانداری این منطقه منسوب گردید. وی شهر فیض‌آباد را به‌عنوان مرکز فرمانداری خود قرار داد. برهان‌الملک مردی علم دوست از نژاد ایرانی و از سادات نیشابور بود. اقتدار سعادت خان برهان‌الملک و ضعف دولت مرکزی باعث گردید که ایالت آوّه به‌صورت یک منطقه خود مختار درآید. با تأسیس حکومت آوّه و خاموش شدن چراغ علم و دانش در دهلی ایالت آوّه مرکز علما، دانشمندان و مهد علوم و فنون اسلامی گردید. در زمان آصف‌الدوله سومین نسل از اولاد برهان‌الملک لکهنو به‌عنوان پایتخت آوّه برگزیده شد. آصف‌الدوله مردی عالم و علم دوست بود. وی دارای طبعی ظریف بود و به‌شعر و ادب فارسی عشق می‌ورزید و به‌فارسی شعر می‌سرود دیوان اشعارش تاکنون دوباره در هند به‌چاپ رسیده است. در زمان حکومت آصف‌الدوله ده‌ها مدرسه و کتابخانه در سراسر ایالت آوّه تأسیس گردید و علما و دانشمندان از سراسر هند و جهان اسلام به‌این منطقه رو‌آوردند. سید عبداللطیف بن ابی‌طالب بن نورالدین بن نعمت‌الله الحسینی الموسوی التستری که در سال ۱۲۱۱ هجری به‌لکهنو سفر کرده درباره خدمات آصف‌الدوله در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد:

”سه لک کتب منتخب خوشخط پاکیزه که بر هر صد مجلد یک کس گماشته بود در کتابخانه او دیدم و اکثر را به‌رفاقت خان به‌تدریج سیر کردم از اقسام فنون و

اصناف علوم عربی و فارسی و انگریزی نظم و نثر، تاریخ و دیوان در آن‌ها بود و قطعات زیبا به قلم خوشنویسان اولین و آخرین و تصاویر مصوّران ایران و هند و روم و فرنگ آن قدر داشت که به عمری از دیدن آن‌ها فراغ حاصل نمی‌شد. مجلّدات بسیاری از کتب علمی به نظر درآمدند چون شرایع و مدارک و مسالک و مفاتیح و کشکول و بعض مجلّدات بحارالانوار که همه به خط مؤلفین بودند از کسی که کتابخانه در تحویل او بود شنیدم که هفتصد مجلد کتب علمی‌اند که به خط مصنفین‌اند و از کتابخانه سلاطین تیموریه بعد از تخریب سلطنت به دست او افتاده‌اند و الحق آن همه خزائن و دفائن و اسباب طلا و جواهری که داشت معامله با عشر عشیر کتابخانه او نمی‌کردند.

کتابخانه‌های سلطنتی آوده

از میان پادشاهان آوده واجد علی‌شاه (۱۲۷۲-۱۲۶۳ هـ/ ۱۸۵۶-۱۸۴۷ م) استعداد و شوق بیشتری به مباحث علمی و ادبی داشت. تعداد تألیفاتش از نثر و نظم به چهل و شش کتاب و رساله می‌رسد. کتابخانه سلطنتی در عهد وی دارای ۲۰۰ هزار جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون فرهنگ و معارف اسلامی بود. وی در اولین سال حکومت خود دستور داد تا فهرستی از کلیه کتاب‌های مورد نیاز کتابخانه سلطنتی تهیه گردد و پس از تهیه لیست کتب، فرمانی به شرح ذیل صادر نمود: از کتب فهرست مفصله ذیل هر نسخه که لغایت بیست و چهارم این ماه (ذی‌قعدة) روز پنجشنبه سنه ۱۲۶۳ هجری نزد محمد حسین مهمتم مطبع سلطانی در تکیه شاه فصیح بر مکانش برسد همان وقت به شرط پسند قیمتش خاطر خواه بایع داده شود. به دنبال فرمان واجد علی‌شاه مبنی بر خرید کتب، شعرا قطعه‌هایی سرودند که از جمله آن‌ها قطعه‌ای بود که کرامت علی متخلّص به «اظهر» در ماده تاریخ این فرمان سرود:

پیش هر صاحب معلی‌شأن سیر هر نسخه فرحت انگیز است
در سنه عیسوی بخوان اظهر «اشتهار کتب دلاویز است»

(۱۸۴۸ م)

با صدور این فرمان صدها نسخه دیگر به مجموعه کتاب‌های کتابخانه سلطنتی افزوده گردید. پس از تسلط انگلیس‌ها بر ایالت آوده و تبعید واجد علی‌شاه آخرین

فرمانروای آوده به کلکته کتابخانه‌ها نیز چون دیگر وسائل به یغما رفت. مسیح‌الدین خان کاکوری که همراه مادر و برادر واجد علی‌شاه برای اعاده حق حکومت به واجد علی‌شاه در لندن به سرمی‌برد، دربارهٔ مظالمی که عمال انگلیسی بر پادشاهان آوده روا داشتند کتابی به چاپ رسانید وی از جمله نکاتی که به آن اشاره کرد مسئله کتابخانهٔ سلطنتی بود که فرماندهان انگلیسی تعداد زیادی از کتاب‌ها را با خود بردند و بسیاری از کتاب‌ها به علت عدم توجه مقامات مذکور تلف گردید. از نامه‌ای که حسام‌الدوله وکیل امور سلطنتی پس از تبعید واجد علی‌شاه به معاون فرمانده نظامی انگلیس در لکهنو نوشته است سرنوشت کتابخانه و عناد سرمداران انگلیسی نسبت به مراکز اسلامی معلوم می‌گردد. حسام‌الدوله در نامه مورخ ۱۴ اوت ۱۸۵۶ میلادی به فرمانده نظامی انگلیسی در لکهنو نوشت که صحت‌الدوله امروز به من اطلاع داد که کاپیتان فلیچر برحسب حکم شما به کتابخانهٔ سلطنتی در فرح‌بخش منزل رجوع کرده و می‌خواسته است که کتاب‌ها را به محل اقامت جنرال مارتین انتقال دهد. به اطلاع می‌رساند که چون این کتاب‌ها متعلق به دولت اعلیحضرت پادشاه آوده می‌باشد من در این امر نمی‌توانم از پیش خود نظری داشته باشم. اما چون میان دو دولت کمپانی هند شرقی و دولت ابد قرین آوده دوستی و تفاهم وجود دارد لذا مانع از مطالعه و بازدید کتابخانه برای شما نخواهیم بود. چون نامهٔ حسام‌الدوله به معاون فرمانده نظامی انگلیس در لکهنو رسید خشمگین شد و در نوزدهم همان ماه نامه‌ای در جواب نامهٔ حسام‌الدوله بدین مضمون برای وی فرستاده شد. در مورد تمرد از حکم فرستادهٔ ما و عدم تحویل کتابخانهٔ سلطنتی به مأمورین و انتقال کتاب‌ها به محل اقامت مارتین، مقام فرماندهی از تو خشمگین گشته و این پیغام برای یک افسر عالی‌رتبه بسیار نامناسب بوده و تو منزلت و مقام خود را نگاه نداشتی و ما در آینده به تو اجازه نخواهیم داد تا در امور سیاسی دخالت کنی، در مورد اعتماد شاه آوده به تو و مشاورت با شما در کارهای خود امری است شخصی، اما از این پس حق دخالت در امور عامه را نخواهی داشت و نباید از اوامر افسران انگلیسی سرپیچی کنی و به خاطر داشته باش که تو نیز یکی از خدمت‌گزاران کمپانی هند شرقی می‌باشی. به هر حال با ارسال یکی دو نامه دیگر از طرف معاون فرمانده نظامی انگلیس به متصدی کتابخانه مبنی بر این که کتاب‌ها به علت عدم رعایت و نبودن امکانات جهت تحفظ آن‌ها

از طرف پادشاه تبعیدی آوده در معرض تلف می‌باشد. مدیر کتابخانه مجبور به تحویل کلیه کتاب‌ها گردید. پس از انتقال کتاب‌ها به محل اقامت مارتین سرنوشت آن‌ها را از کتاب قیصرالتواریخ نقل می‌کنیم:

”پس از تبعید واجد علی‌شاه به کلکته یکروز فرمانده جدید نظامی انگلیس در لکهنو از کتابخانه سلطنتی دیدن کرد، کتاب‌ها بدون نظم و ترتیب روی زمین ریخته شده بود، فرمانده علت آن را از مسؤل کتابخانه سؤال کرد. مفتاح‌الدوله در پاسخ گفت میجر مارینگی (یکی از افسران انگلیس) یکروز دستور داد تا تمام کتاب‌ها را از قفسه‌ها بیرون بریزید سپس دستور داد که مأمورین کتابخانه، کتاب‌ها را به ترتیب گذشته در جاهای خود قرار دهند به‌وی گفته شد که کتابخانه در طول چندین سال و با صرف هزاران روپیه تنظیم و ترتیب گردیده بود و ترتیب دوباره آن‌ها با وضع فعلی امکان‌پذیر نیست این عمل آن‌قدر برای یک فرمانده انگلیسی بی‌اهمیت بود که با بی‌اعتنایی گفت کارینگی نباید تا این اندازه عناد می‌ورزید!“

منشی ظهیرالدین در شرح حال خود می‌نویسد که من برای یک امر تحقیقی در زمان تبعید شاه، نامه‌ای به‌وی نوشتم و تقاضای کتابی را از کتابخانه سلطنتی نمودم واجد علی‌شاه در پاسخ‌نامه من چنین نوشت:

”تالیفات و تصنیفات عمده را سیل غارت یاغیان همچو خس و خاشاک در امواج تاراج چنان غرق ساخته که اثر حرفی از آن‌ها باقی نیست.“

سرنوشت کتابخانه‌های لکهنو

با تسلط کامل انگلیس‌ها بر ایالت آوده و قتل و غارت مردم بی‌گناه شهرها که انگلیس‌ها آن را ایام غدر نامیدند کتابخانه‌ها نیز چون دیگر اموال دستخوش حوادث گردید. با برکناری مسؤلان و مدیران کتابخانه‌ها و روی کار آمدن افراد نالایق موجبات بی‌نظمی در کتابخانه‌ها فراهم آمد و تعداد زیادی از کتب به‌علت بی‌توجهی، فقر و یا اغراض عمال انگلیس با علوم اسلامی تلف گردید. اشپرینگر شرق‌شناس و فهرست‌نگار نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شاهان آوده در سفرنامه خود می‌نویسد که مدیر کتابخانه

شاهی تعدادی از کتاب‌های نفیس و کمیاب را به‌قیمت یازده هزار روپیه فروخت و هزینه عروسی دخترش را از این راه تأمین کرد. همچنین کتاب‌های نادر و نفیسی که در معرض دید انگلیس‌ها بود انتخاب و به‌انگلستان ارسال گردید و باقی‌مانده کتاب‌های نفیس تا سال ۱۸۵۷ م از هند خارج گردید، اما آنچه از دستبرد حوادث ایام و یغماگری انگلیس‌ها باقی‌ماند کتابخانه‌های شخصیت‌های علمی و بزرگانی بود که با انگلیس و سلطه آنان بر هند مخالف بودند و در ایامی که باقی‌مانده کتاب‌های کتابخانه‌های سلاطین کیلویی در کنار معابر به‌فروش می‌رسید، با فروش وسائل زندگی خود حتی زیور آلات زنانه بسیاری از کتب را از خطر نابودی نجات دادند. من تعداد زیادی از نسخ خطی را در کتابخانه‌های علما و بزرگان لکهنو دیدم که مهر شاهان آوده، امجد علی‌شاه، واجد علی‌شاه و شاهزاده سلیمان شکوه بر آنها ثبت گردیده و در صفحه اول آنها نوشته شده: «از نیلام خرید شده» و در ذیل آن قیمت و نام خریدار آمده است. در پی خروج انگلیس‌ها از هند و استقلال این کشور و تأسیس کشوری جدید به‌نام پاکستان تعداد قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان به‌کشور نو بنیاد پاکستان مهاجرت کردند. از این پس مدارس علوم اسلامی و کتابخانه‌هایی که محل بحث علمی و مسائل اسلامی بودند رونق خود را از دست دادند. بدین‌گونه تعداد زیادی از کتابخانه‌هایی که از دستبرد انگلیس‌ها محفوظ مانده بود، این‌بار توسط خود مسلمانان به‌قیمت‌های ناچیزی فروخته شد و بازار دلال‌های کتب خطی از کشورهای مختلف رونق گرفت. همچنین تعداد بی‌شماری از کتاب‌ها تلف و طعمه موربانه گردید. اما پس از آن‌همه حوادث که بر میراث فرهنگ اسلامی در هند وارد گردید. هنوز در کتابخانه‌های بزرگ و کوچک این کشور پنهان هزاران نسخه خطی وجود دارد که در میان آنها صدها نسخه به‌خط مصنفین و مؤلفین بزرگ به‌چشم می‌خورد. هنگامی که علامه فقیه شیخ عبدالحسین امینی (م: ۱۲۹۰ هـ/ ۱۸۷۳ م) برای چهار ماه از کتابخانه‌های هند دیدن کرد چنان مشغول مطالعه کتب بود که هنگام بازگشت به‌نجف اشرف طالب علمی درباره آب و هوای گرم و سوزان هند از ایشان سؤال کرد. ایشان فرمودند من در این ملت توجهی به آب و هوا و این‌گونه مسائل نداشتم. در یادداشت‌هایی که از این عالم بزرگ به‌جای‌مانده ارزش کتابخانه‌ها و اظهار تأسف ایشان از وضع اسف بار آنها معلوم می‌گردد. این مرد بزرگ

تا آنجایی که ممکن بود از کتب نفیس استفاده و در بعضی از موارد از نسخ نادر استنساخ نمود زیرا وی از آینده اسف بار این کتابخانه‌ها به‌خوبی مطلع بود. علامه امینی در سفرنامه خود آماری از کتابخانه‌های هند را که مشاهده نموده آورده است و آمار کتابخانه لکهنو به شرح ذیل است:

- | | |
|----------------------------|---------------------------------|
| ۱. کتابخانه ناصریه | ۳۰،۰۰۰ با نسخ خطی فراوان. |
| ۲. کتابخانه مدرسه‌الواعظین | ۲۰،۰۰۰ نسخه با مقداری خطی نفیس. |
| ۳. کتابخانه سلطان‌المدارس | ۵،۰۰۰ با مقداری خطی منحصر بفرد. |
| ۴. کتابخانه ممتازالعلماء | ۱۸،۰۰۰ بسیاری از این تعداد خطی. |
| ۵. کتابخانه فرنگی محل | ۹،۰۰۰ با ۴،۰۰۰ خطی. |
| ۶. کتابخانه ندوة‌العلماء | حدود ۶۰،۰۰۰ با ۵۵۰۰ خطی. |
| ۷. کتابخانه امیرالدوله | بیش از ۱۱۰،۰۰۰. |

کتابخانه نواب روهیله

در زمان سلطنت محمد شاه تیموری در دهلی، منطقه روهیله به‌دست یکی از نوابان به‌نام حافظ رحمت‌الله خان اداره می‌گردید. وی مردی شجاع و صاحب علم و کمال بود و در زمان صدارت خود مدارس بزرگی در این شهر بنا نمود. حافظ رحمت‌الله خان ارادتمندان به‌خاندان پیامبر بود و به‌علماء، سادات و دانشمندان احترام خاص می‌نمود. در سال ۱۱۸۸ هـ/ ۱۷۷۴ م نواب شجاع‌الدوله به‌روهیله حمله کرد و حافظ رحمت خان را به‌قتل رسانید. وی از جمله غنائمی را که با خود به‌لکهنو حمل کرد کتابخانه بزرگ نواب روهیله بود. پس از حمل کتابخانه به‌لکهنو مدتی کتاب‌ها در کتابخانه سلطنتی بود و سپس عمارتی برای حفاظت آن‌ها در محله توپخانه در نظر گرفته شد. عمارت کتابخانه از ملحقات رزیدنسی مشهور به‌بیلی گاردن محل اقامت فرماندهان و سفیران انگلیسی بود. کتابخانه در طبقه دوم این عمارت قرار داشت لذا توجه خاصی به‌کتاب‌ها نمی‌گردید. اشپرینگر درباره این کتابخانه می‌نویسد که تمام کتاب‌ها در صندوق‌های بدون حفاظ قرار داده شده و مجموعه این صندوق‌ها به‌چهل می‌رسد. تالار کتابخانه مخزن موش‌ها و حشرات موذی است و اگر کسی بخواهد وارد کتابخانه شود حتماً باید

چوب دستی همراه داشته باشد تا از گزند موش‌ها و حشرات دیگر در امان بماند. در آخر تالاری که کتاب‌ها در آن قرار دارد صندوق‌هایی دیده می‌شود که کلیه کتاب‌های آن را موربانه تلف کرده‌اند از جمله این کتاب‌ها تاج‌اللغات و هفت قلمز می‌باشد که به‌طور کامل از بین رفته است. در لابلائی کتابهای این ذخیره بزرگ نسخه‌هایی به‌زبان پشتو وجود دارد که برای سرداران روهیله با توجه خاصی کتابت و تزئین گردیده است. متأسفانه مقامات دولتی بیشتر توجه به تعداد کتاب‌ها دارند و لذا از ارزش نسخ نادر و نفیس بی‌اطلاع می‌باشند لذا متصدیان کتابخانه‌ها از این غفلت استفاده نموده و کتاب‌های ذی‌قیمت را می‌فروشند و به‌جای آن نسخه‌های بی‌ارزش را قرار می‌دهند. به‌طور مثال در حدود صد نسخه گلستان و یوسف و زلیخا در این کتابخانه وجود دارد که جایگزین کتاب‌های نفیس و نادر گردیده است. معرفی کتب نفیس این کتابخانه را اشپرینگر ضمن سه گزارش در مدت اقامت خود در لکهنو برای انگلیس‌ها ارسال داشته است. هرچند اکنون از عمارت کتابخانه و کتاب‌ها چیزی باقی مانده است اما می‌توان حدس زد که سهمی از کتاب‌ها همچنان‌که اشپرینگر اشاره کرده دستخوش حوادث ایام و طعمه موربانه‌ها گردیده و آنچه از نسخ نفیس در لابلائی کتب موجود بود به‌انگلستان منتقل شده است. باید توجه داشت که چون کتابخانه توپخانه از شعب کتابخانه سلطنتی آوده به‌شمار می‌آمده دارای مهر خاصی نبوده است، لذا در میان کتاب‌های باقی‌مانده از کتابخانه‌های آوده تشخیص نسخه‌هایی که مربوط به کتابخانه توپخانه است به‌آسانی ممکن نیست. مگر آن‌که مهر نوابان روهیله بر آن‌ها ثبت شده باشد و من در میان نسخه‌هایی که مهر شاهان آوده بر آن‌ها ثبت گردیده و از نظرم گذشته به‌چنین مهرهایی برخورد نکردم.

کتابخانه فرنگی محل

شیخ علاءالدین معروف به‌قطب عالم یکی از علمای بزرگ هرات بود که در اواخر حکومت سلاطین تغلق در دهلی به‌هند مهاجرت کرد و در نواحی دهلی مسکن گزید. از فرزندان وی شیخ‌الاسلام نظام‌الدین بود که پس از مرگ پدر برای تبلیغ به‌دهکده سهالی در اطراف بارانکی هجرت نمود و تا پایان عمر در آن دهکده باقی‌مانده و

در همان‌جا وفات نمود. از اولاد وی ملاً قطب‌الدین در علم و فضل شهرتی به‌سزا یافت و چنان بود که پادشاه مغول تقاضای ملاقات با وی را داشت. وی به‌دست یکی از دشمنان خود به‌قتل رسید و فرزندانش پس از شهادت پدر به‌لکهنو مهاجرت کردند. اورنگ‌زیب پادشاه مغول برای دلداری فرزندان ملاً قطب‌الدین دو فرزندش ملاً محمد سعید و ملاً محمد اسعد را همراه با لشکر خود به‌برهانپور برد و ملاً نظام‌الدین فرزند دیگر وی در لکهنو باقی‌ماند و شاه به‌خاطر قدردانی از ملاً قطب‌الدین، فرنگی محلّ، عمارتی را که قبلاً تاجران خارجی در آن اقامت می‌کردند را به‌ملّا نظام‌الدین بخشید. ملاً نظام‌الدین چون پدران خود مردی عالم و صاحب فضل بود و به‌استادالهند مشهور گردید وی خانه خود را تبدیل به‌مدرسه علوم دینی نمود و پس از مدتی فرنگی محلّ به‌عنوان یکی از بزرگترین مدارس علوم دینی هند درآمد. در این مدرسه برخلاف مدارس دینی دیگر که متعلّق به‌فرقه و یا مذهب خاصی بود، دانشجویان تمام فرق و مذاهب اسلامی تحصیل می‌نمودند چنان‌که سیّد دلدار علی اولین مجتهد شیعه آوده دروس مقدماتی را نزد اساتید این مدرسه به‌پایان برد و سپس عازم نجف اشرف گردید و بعدها توسط وی و به‌امر نواب آصف‌الدوله اولین نماز جمعه شیعیان به‌امامت ایشان در لکهنو برگزار گردید و شاگردانی چون مفتی محمد قلی، علّامه مجاهد حامد حسین و مفتی میر محمد عباس را پرورش داد. ملاً نظام‌الدین برای تکمیل مدرسه خود در یکی از حجرات مدرسه کتابخانه‌ای تأسیس کرد اما اطلاع صحیحی از سال تأسیس و تعداد کتاب‌های آن در دست نیست، لیکن این‌قدر معلوم است که دانشجویان وی کتابخانه را وسعت دادند و بر تعداد کتاب‌ها افزودند. به‌طوری‌که کتابخانه به‌صورت یکی از مراجع علمی لکهنو درآمد. مولوی سیّد عبدالحی حسنی صاحب کتاب *نزهة الخواطر* از کتابخانه فرنگی محلّ استفاده نموده و آن را به‌عنوان یکی از معتبرترین کتابخانه‌های شهر لکهنو یاد نموده است. اما بعدها به‌علّت آفات گوناگون منجمله تعطیل شدن مدرسه فرنگی محلّ مقدار قابل توجهی از کتاب‌ها تلف گردید. هرچند امروزه از مدرسه فرنگی محلّ جز نام چیزی باقی‌نمانده است اما کتابخانه به‌عمارت یوسفی پرس منتقل گردیده است. کتابخانه نیز به‌علّت فقدان اهل علم در این شهر مورد توجه نبوده و اکثر نسخ خطّی طعمه موربانه شده است. در گذشته اگر اهل علمی از

این شهر گذر می‌کرد و با نام فرنگی محل آشنا بود سراغی از کتابخانه می‌گرفت و درب‌های بسته کتابخانه بروی وی باز می‌شد. علّامه فقید شیخ عبدالحسین امینی در مدت اقامت خود در این شهر از کتابخانه استفاده نموده و تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه را ۴،۰۰۰ نسخه دانسته است. در سال‌های اخیر به‌علت اختلاف بین فرزندان خاندان فرنگی محل و مهاجرت گروهی از ایشان به پاکستان بسیاری از کتاب‌ها به فروش رفته و قسمتی از آن به کتابخانه آزاد دانشگاه اسلامی علیگر منتقل گردیده و آنچه از کتاب‌ها به‌جای مانده در همان عمارت است و کلید کتابخانه در دست یکی از افراد خاندان فرنگی محل می‌باشد که در پاکستان اقامت دارد. به‌رحال این کتابخانه نیز مسیری را طی می‌کند که دیگر میراث علمی و فرهنگی اسلامی در سال‌های اخیر داشته‌اند.

کتابخانه ندوة العلماء

در سال ۱۸۹۴ میلادی مدرسه‌ای در کنار رودخانه گومتی به نام ندوة العلماء در شهر لکهنو تأسیس گردید. بانی این مدرسه جمعی از علماء و دانشمندان اسلامی بودند. هدف از بنای این مدرسه آگاه کردن جوانان مسلمانان با معارف اسلامی و تربیت و تعلیم نوجوانان مسلمان بود. مولانا ابوالکلام آزاد اولین وزیر معارف هند در یک بیانیه هدف از تأسیس مدرسه را چنین بیان می‌کند: هدف از تأسیس ندوة العلماء آگاه کردن مسلمانان با معارف اسلامی و تعلیم و تربیت گروهی از جوانان با علوم مختلف اسلام است. همچنین تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ برای استفاده محققین و طالبان علم می‌باشد تا جویندگان حقیقت بتوانند به‌آسانی از مدارک و کتاب‌های اسلامی استفاده کنند. حدود دوازده سال پس از تأسیس مدرسه ندوة العلماء در اولین نشست علماء و مدرسین ندوة العلماء در شهر شاهجهانپور (ایالت یو.پی.) راجع به بنیاد کتابخانه که از اهداف مؤسّسین ندوه بود بحث گردید. در همین نشست مولوی عبدالرزاق یکی از بزرگان شهر شاهجهانپور کتابخانه شخصی خود را که شامل سه هزار نسخه خطی بود به مدرسه ندوة العلماء اهداء کرد. در نشست دیگر علماء و مدرسین مدرسه ندوة العلماء که در شهر پتنا منعقد گردید. مولوی عبدالعظیم تعداد دویست کتاب خطی به کتابخانه ندوه اهداء کرد همچنین مولوی عبدالغنی نیز تعداد صد جلد کتاب ادبی و تاریخی وقف

کتابخانه نمود. بانیان مدرسه برای حفظ کتاب‌ها و پایه‌گذاری کتابخانه در یکی از محلات لکهنو به نام گولاگنج ساختمانی را در نظر گرفتند و کتاب‌ها به آن محل منتقل گردید، هم زمان با تأسیس کتابخانه تعداد زیادی کتاب‌های خطی و چاپی دیگر از شهرهای مختلف هند به کتابخانه اهداء گردید که از جمله کتابخانه نواب عالمگیر محمد خان والی بهوپال، کتابخانه سید حمیدالدین از پتنا و تعدادی از کتاب‌های کتابخانه مولوی محمد یحیی خان از لکهنو و کتاب‌های سید احسن شاه بود. همچنین گروهی از علماء و بزرگان چون نواب صدیق حسن خان، نواب نورالحسن خان، نواب نجم‌الحسن خان قنوجی، واجد علی صاحب، سید عبدالجلیل صاحب، علامه شبلی نعمانی و سید عبدالحی حسنی ندوی مدیر ندوة العلماء کتابخانه‌های شخصی خود را وقف این کتابخانه نمودند، تعداد کتاب‌های اهدایی به کتابخانه ندوة العلماء تا سال ۱۹۷۳ هجری به ۶۲ هزار نسخه خطی و چاپی رسید، در سال ۱۹۷۴ میلادی تالار مدرسه ندوة العلماء برای کتابخانه در نظر گرفته شده و کتابخانه با اشاره مولوی سید سلیمان ندوی از محله گولاگنج به مدرسه انتقال داده شد، پس از انتقال کتابخانه به مدرسه کتاب‌های درسی طلبان نیز به کتابخانه اضافه گردید و سالن اصلی مدرسه به عنوان دارالمطالعه برگزیده شد، مخازن کتاب در طبقه دوم و اتاق‌های اطراف طبقه اول به ترتیب موضوع جای داده شد، همچنین فهرست جدیدی برای تمام کتاب‌ها به سبک قدیم در دفاتر تهیه گردید. در سال ۱۹۰۶ میلادی مولانا ابوالکلام آزاد مقاله‌ای درباره نواذر نسخ کتابخانه ندوة العلماء نوشت و در آن مقاله به معرفی چند نسخه به شرح ذیل پرداخت:

یعقوب کندی حکیم مشهور مأمون‌الرشید بود وی اولین کسی است که در اسلام به فیلسوف بزرگ لقب یافت، مجموعه رسائل این حکیم بزرگ در کتابخانه ندوة العلماء موجود است، همچنین مدینه‌العلوم ارنیقی، تذکره هفت اقلیم امین رازی، دو کتاب دیگر قابل ذکر در این مجموعه است، درباره اهمیت مدینه‌العلوم همین قدر کافی است که کشف‌الظنون که از بهترین فهرست‌های اسلامی است، در اکثر موارد از این کتاب استفاده نموده، همچنین تذکره هفت اقلیم که از بهترین تذکره‌های شعرای فارسی است نسخه‌ای از آن در دارالعلوم موجود است

و تاکنون به‌زیور طبع آراسته نگردیده است. بسیاری از کتاب‌هایی که در دوره اکبر پادشاه بزرگ مغول ترجمه شده و تاکنون به‌چاپ نرسیده زینت‌بخش این کتابخانه است، از کتاب‌های دوره شاهجهان نیز که از سنسکریت به‌فارسی ترجمه شده کتابی در علم موسیقی در کتابخانه وجود دارد، از نوادر نسخ دیگر کتابخانه، جواهرالقرآن از تصنیفات امام محمد غزالی است هرچند این کتاب تاکنون چندین بار به‌چاپ رسید لیکن ناقص چاپ شده و نسخه کامل آن با خط خوش در کتابخانه موجود است، قاموس اللغة نسخه دیگری از کتاب‌های نفیس است که مگر اکثر پادشاهان مغول بر آن ثبت است. این مقاله را زمانی مولانا ابوالکلام آزاد نوشته بود که تنها چند سال از تأسیس کتابخانه می‌گذشت و تعداد کتاب‌ها بیش از چهار هزار نسخه نبود، و اکنون این کتابخانه دارای بیش از صد و ده هزار کتاب چاپی و قلمی می‌باشد. در سال ۱۹۸۴ میلادی عمارتی در دارالندوةالعلماء جهت کتابخانه با اسلوب جدید بنا گردید، این عمارت دارای سه هال بزرگ جهت مطالعه و کنفرانس و در اطراف هر طبقه مخازن کتاب قرار دارد، طبقه اول و دوم متعلق به کتاب‌های چاپی است و طبقه سوم مخزن مخصوص کتب‌های خطی است که مجموع آن در حدود چهار هزار و پانصد نسخه می‌باشد و کتب خطی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند. تعداد نسخه‌های خطی عربی این کتابخانه ۲۲۲۷ و تعداد نسخه‌های خطی فارسی و اردوی آن بیش از دو هزار می‌باشد، مخطوطات اردو نسبت به عربی و فارسی بسیار کم است، لیکن نسخه‌های خطی اردو دارای ارزش و قدمت می‌باشند، از جمله دیوان‌هایی که به‌زبان اردو در این کتابخانه وجود دارد، دیوان منتظر شاگرد شاعر بزرگ فارسی و اردو مصحفی است این تنها نسخه موجود از دیوان منتظر می‌باشد و تاکنون به‌چاپ نرسیده است، علاوه بر دیوان منتظر، دواوین دیگری از شعرای مشهور، چون سودا، برهمن، صبا، مصحفی، شاهنامه اردو، و دیوان شیدا زینت بخش این کتابخانه می‌باشد. فهرست‌برداری نسخه‌های خطی عربی و فارسی این کتابخانه از اوائل سال ۱۳۶۴ هـ ش توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند شروع و در سال ۱۳۶۵ هـ ش کار فهرست‌برداری

به پایان رسید، فهرست‌ها در دو جلد نسخه‌های خطی عربی ندوةالعلماء در ۸۸۵ صفحه و نسخه‌های فارسی ندوةالعلماء در ۹۰۰ صفحه در همین سال در دهلی‌نو به چاپ رسید.

کتابخانه جنت‌مآب سید محمد تقی ممتازالعلماء

از میان کتابخانه‌های بزرگی که در اواخر سلطنت فرمانروایان آوکه در لکهنو تأسیس گردید، دو کتابخانه مجتهدین این شهر علامه حامد حسین نیشابوری و کتابخانه ممتازالعلماء سید تقی بود، سید محمد تقی فرزند سید حسین سیدالعلماء در سال ۱۲۳۴ هجری در شهر لکهنو تولد و علوم اسلامی را نزد پدر و عموی خود سید محمد سلطان‌العلماء قرائت نمود. وی در سن ۲۸ سالگی به مرتبه اجتهاد نائل آمد و از پدر و عموی خود اجازه دریافت نمود، سید محمد تقی در سال ۱۲۵۹ هجری به عنوان مدرس علوم اسلامی به مدرسه سلطان‌المدارس و جامعه سلطانیه دعوت گردید و این در حالی بود که علمای بزرگی چون مولانا احمد علی محمدآبادی از شاگردان علامه دلدار علی در این مدرسه تدریس می‌نمودند، با ورود مولانا سید محمد تقی به مدرسه سلطانیه از طرف امجد علی شاه فرمانروای آوکه به وی خطاب ممتازالعلماء فخرالمدرسی داده شد، مفتی محمد عباس شوشتری در اوراق الذهب می‌نویسد:

”اکبرهم فی الهدی و السداد و ابرعهم فی الفقه و الاجتهاد و ذوی الفکر المتین و الرای

الوزین فخرالفضلاء و المدرّسین التقی المتقی السید محمد تقی اعلی الله قدره و نور بدره

احدث منی سنّا و اقدم فضلاء منّا“.

ممتازالعلماء فخرالمدرّسین مدت ۳۰ سال مدرس مدرسه سلطانیه بود و همزمان با تدریس و تربیت طلبان علوم دینی به تألیف و تصنیف اشتغال داشت. مجموعه تألیفات وی در زمینه معارف اسلامی بیش از ۳۰ عنوان می‌باشد. ممتازالعلماء برای دسترسی بیشتر به منابع اسلامی، کتابخانه‌ای تأسیس و از سراسر هند و کشورهای اسلامی نسخ خطی نادر و کمیاب را خریداری نمود. مولانا سید آقا مهدی در کتاب خود «تاریخ کا خونچگان ورق» کتابخانه ممتازالعلماء را چنین معرفی کرده است:

”کتابخانه ممتازالعلماء مجموعه‌ای است از کتب اسلامی در زمینه‌های مختلف تفسیر، فقه، حدیث، کلام و مناظره که بیشتر نسخ موجود در این کتابخانه از نوادر نسخی است که در کشورهای دیگر به‌زحمت به‌دست می‌آید. از جمله نسخ نادر این کتابخانه تفسیر کامل ثعلبی است که در حدود صد سال پس از وفات مؤلف کتابت گردیده است. این نسخه در سال ۱۹۱۹ م به‌مبلغ صد و پنجاه هزار روپیه قیمت‌گذاری گردیده، همچنین صحیفه سجادیه به‌خط شهید اول، تفسیر منبع عیون‌المعانی و فقه رضوی منقول از نسخه اصل و صدها کتاب و نسخه دیگر از جمله نفایس این گنجینه بزرگ اسلامی است، در سال ۱۸۵۷ میلادی (ایام غدر) که میراث فرهنگی اسلامی توسط انگلیس‌ها به‌غارت می‌رفت، به‌این کتابخانه نیز حمله شد، اما غارتگران نتوانستند از این گنجینه کتابی را خارج کنند، مجموعه نسخ موجود در کتابخانه تا سال ۱۳۵۰ هجری ۴۲۴۱ نسخه بوده است.“

دکتر محمد سالم قدوایی درباره کتابخانه ممتازالعلماء چنین می‌نویسد:

”وی در جمع‌آوری کتاب‌های نفیس و ارزشمند شوقی وافر داشت و برای حفاظت نسخ نفیس و نادر کتابخانه تأسیس نمود و در کنار کتابخانه مسجد و حسینیه بنا کرد. عمارت کتابخانه و مسجد تاکنون موجود است، اما به‌علت عدم توجه متولیان، کتابخانه روبه‌ویرانی گذاشته است.“

دکتر محمد سالم قدوایی از جمله کتب نفیس این کتابخانه *نخبة الدعوات*، *العیاب*، *کتاب الارشاد*، *حدیقة الواعظین*، *نزهة الواعظین*، *لمعة الواعظین* و *تفسیر ینابیع الانوار* را یاد کرده است. *ینابیع الانوار* تفسیری است در چهار جلد که از تألیفات سید محمد تقی ممتازالعلماء می‌باشد. اما اکنون به‌همّت و سرپرستی *حجة الاسلام سید علی نقوی* کتابخانه رونقی تازه یافته و کتابخانه به‌حجرات حسینیه سید محمد تقی انتقال داده شده، و کتاب‌ها به‌طور صحیح در قفسه‌های فلزی نگه‌داری می‌شود. فهرست نسخ خطی این کتابخانه توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند با همکاری ایشان تهیه و پس از تنظیم و ترتیب به‌چاپ خواهد رسید.

کتابخانه ناصریه

کتابخانه ناصریه امروز یکی از معدود گنجینه‌های علمی و دینی در خاورمیانه به‌شمار می‌آید. بانی این کتابخانه عظیم علامه جلیل سید محمد قلی است وی علاوه بر تصنیفات و تألیفات متعدد در زمینه فرهنگ و معارف اسلامی اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ جهت استفاده علماء، محققین و پژوهشگران نمود و در زمان حیات این کتابخانه را وقف اولاد خود کرد. پس از رحلت علامه محمد قلی فرزند برومند ایشان علامه حامد حسین کار پدر را دنبال کرد و همزمان با تألیف و تصنیف و تصحیح و ترتیب کتاب‌های پدر به توسعه کتابخانه پرداخت. وی برای تألیف دایرةالمعارف بزرگ شیعه «عبقات الانوار» احتیاج به مدارکی داشت که در هند به‌آسانی به‌دست نمی‌آمد. علامه حامد حسین همراه برادرش مولانا اعجاز حسین صاحب کتاب کشف‌الحجب والاستار برای تهیه کتاب‌های مورد نظر به اکثر کشورهای اسلامی سفر کرد و با خرید صدها نسخه ارزشمند بر توسعه این ذخیره علمی همت گماشتند. ایشان علاوه بر سفرهای مکرر به مناطق مختلف توسط دوستان کتاب‌های مورد نیاز را تهیه می‌کرد. مجموعه نامه‌هایی که علامه حامد حسین درباره تهیه کتب اسلامی به‌علماء و بزرگان سایر بلاد نوشته نمایانگر عشق و علاقه و همت این مرد بزرگ می‌باشد. وی تا جایی که ممکن بود سعی در تهیه اصل نسخ داشت و اگر ممکن نمی‌شد افرادی را برای نسخه‌برداری به‌محلّی که کتاب در آنجا موجود بود اعزام می‌کرد. حجّة‌الاسلام محمد سعید نخل برومند علامه ناصر حسین درباره کتابخانه می‌نویسد که علامه حامد حسین مدت زیادی در تلاش تهیه کتاب «الردّ علی المتعصّب العنید» بود بعدها معلوم شد که نسخه‌ای از این کتاب در یکی از کتابخانه‌های مصر دیده شده است. وی نامه‌ای به‌حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل نوشت و پس از حدود بیست سال موفق به تهیه نسخه‌ای از این کتاب که در دو جزء بود گردید. پس از رحلت علامه حامد حسین تولیت کتابخانه به‌فرزندش مولانا ناصر حسین ملقب به نصیرالملة تفویض گردید. در زمان تصدی ایشان کتابخانه رونقی بیشتریافت و در محل کتابخانه تغییرات اساسی به‌وجود آمد و عمارتی بزرگ توسط یکی از مؤمنین وقف کتابخانه گردید و کتاب‌ها به‌محلّی که تاکنون به‌عنوان کتابخانه ناصریه مشهور است منتقل شد. لذا کتابخانه به‌نام

ایشان مشهور است. این کتابخانه دارای بیش از سی هزار کتاب می‌باشد که در حدود پنج هزار نسخه آن را کتاب‌های خطی تشکیل می‌دهند. اکثر نسخ خطی این کتابخانه از نوادر نسخ می‌باشد. فهرست نسخ خطی کتابخانه توسط مرکز تحقیقات در دست تهیه است. شرح بیشتر راجع به این کتابخانه در مقدمه فهرست آن خواهد آمد. متأسفانه در سال‌های اخیر این گنجینه عظیم مورد بی‌مهری متوکی آن قرار گرفت و بسیاری از نسخه‌های نفیس طعمه موربانه‌ها شد و تعدادی به‌ثمن نحس به‌دلالتان حتی غیرمسلمانان فروخته شد و من مجموعه‌ای از نسخه‌های بسیار ارزشمند را به‌طور عاریت نزد فردی هندو گذاشته شده بود را پس از سال‌ها تلاش از کبوترخانه منزل هندو بیرون آوردم و اکثر نسخه‌ها که تعداد آن‌ها بیش از سیصد نسخه بود به‌علت عدم توجه از بین رفته بود و تعدادی هم شنیده شد که به‌افراد در بمبئی فروخته شده و اخیراً گروهی از کارشناسان نسخه‌های خطی که از آستان قدس رضوی برای فهرست‌نگاری به این کتابخانه اعزام شده بودند پس از بررسی دقیق تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه را ۲،۹۰۷ نسخه اعلام کردند که در میان آن‌ها تعداد نسخه‌های نفیس به‌ندرت به چشم می‌خورد.

کتابخانه مدرسه‌الواعظین

مدرسه‌الواعظین یکی از بزرگترین مدارس علوم دینی شیعه است که طلب علوم دینی پس از طی مراحل مقدماتی در مدارس دیگر اسلامی برای مدت سه سال در این مدرسه دوره فقه و کلام تقابلی و مناظره را فرا می‌گیرند. پس از پایان دوره سه‌ساله، طلب به‌مدت دو سال به‌عنوان مبلغ از طرف مدرسه جهت تبلیغ به‌مناطق مختلف هند و کشورهای دیگری اسلامی فرستاده می‌شوند و در پایان دوره به‌درجه واعظ مفتخر می‌گردند. اولین مدیر این مدرسه خطیب بزرگ مولانا سبط حسن بود که خود نیز دارای کتابخانه‌ای مجلل بود و پس از وفات کتاب‌هایش به کتابخانه راجه محمودآباد منتقل گردید. این مدرسه در ۱۹ مه ۱۹۱۹ میلادی توسط مهاراجه محمد علی محمد خان والی محمودآباد به‌یاد برادر جوان مرده‌اش مهاراجه محمد علی احمد خان تأسیس شد. نظارت این مدرسه به‌هیئت متولیان به‌سرپرستی متوکی منتظم واگذار گردید، متوکی منتظم مادام‌العمر و از خانواده محمودآباد و به‌عنوان سرپرست امور مدرسه و طلب

تعیین می‌گردد. هم‌اکنون آقای راجه محمد امیر محمد خان ملقب به سلیمان متولی منتظم مدرسه می‌باشد، مدرسه دارای کتابخانه بزرگی برای استفاده طلاب و مدرسین شامل ۲۵،۰۰۰ نسخه خطی و چاپی می‌باشد. این کتابخانه و مجموعه کتابخانه‌های راجه محمودآباد (در محمودآباد هائوس لکهنو مجموعه کتاب‌ها خطی) و قلعه محمودآباد (در محمودآباد مجموعه کتاب‌ها چاپی) زیر نظر ایشان اداره می‌گردد. تعداد نسخ خطی این کتابخانه حدود ۱،۵۰۰ جلد می‌باشد که فهرست آن توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی تهیه و تنظیم گردیده است. در سال‌های اخیر به‌علت بی‌توجهی به این مجموعه عظیم بسیاری از نفایس نسخ خطی و چاپ سنگی این کتابخانه نابود شد و بسیاری از نسخه‌ها در زیر آوار برای مدت‌ها ماند و از بین رفت. هرچند به‌همت جمهوری اسلامی ایران به‌امر مقام معظم رهبری ساختمان فرسوده مدرسه‌الواعظین دوباره تجدید بنا گردید. اما متأسفانه تاکنون توجه خاصی به این درسگاه دینی بزرگ مبذول نمی‌گردد. مرحوم علامه امینی در سفری که به‌هند داشتند مدت‌ها در این کتابخانه مشغول تحقیق و بررسی اسناد موسوعه عظیم‌الغدیر بودند و در نامه‌ای که من در زیر آوار پیدا کردم که مرحوم علامه درباره عظمت و شکوه این کتابخانه نوشته بودند شاید درباره کتابخانه‌های دیگری که علامه از آن‌ها بهره‌برده بود چنین عباراتی را بیان فرموده‌اند. شرح بیشتر درباره مدرسه‌الواعظین و کتابخانه آن در مقدمه فهرست نسخ خطی مدرسه‌الواعظین خواهد آمد.